

بسترهای تحقق صلح عادلانه در افغانستان از نگاه شهید مزاری

□ حسین صالحی مالستانی

چکیده

برقراری صلح در جامعه انسانی، از مهم ترین رسالت رسولان الهی شمرده شده است. در افغانستان، چهاردهه، سایه شوم جنگ و انتحار حاکم است، بدیهی است که «صلح» از خواسته های اساسی مردم جنگ زده افغانستان است. امروز، صدای صلح طلبی به گفتمان غالب نهادهای ملی و بین المللی دخیل در قضیه افغانستان بدل شده است؛ اما رهبر شهید، استاد مزاری از منادیان اصلی منطق گفت و گو برای رسیدن به صلح پایدار در کشور به حساب می آید، او از همه بیشتر طعم تلخ جنگ و خشونت را چشیده بود و خود و خانواده اش قربانی خشونت و ترور شده اند.

در این مقاله بسترهای اساسی تحقق صلح عادلانه را از نگاه شهید مزاری مورد واکاوی قرار می دهیم، تحقق عدالت اجتماعی، وحدت ملی، توجه به واقعیت های عینی جامعه، دوری از تفکر انحصار طلبی و دوری از سیاست حذف و احیای روح برادری و هم پذیری از اهم بسترهای تحقق صلح عادلانه در کشور و مورد تأکید شهید مزاری است.

واژه های کلیدی: صلح، جنگ، افغانستان، شهید مزاری، وحدت، عدالت، واقع گرایی، برادری، هم پذیری.

مقدمه

صلح و عدالت از خواسته‌های اساسی آدمی است. انسان سالم، از خشونت و خون‌ریزی نفرت دارد و با صلح و زندگی همراه با مدارا و مهر، دم‌ساز است. از دیدگاه آموزه‌های دینی هدف از بعثت انبیای الهی تحقق عدالت، حاکمیت صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان بشریت بوده است. در عرف بین‌الملل نیز، پدیده «صلح» امری پسندیده است، نخبگان و اندیشمندان زیادی در راستای صلح و آرامش بشر، قلم زده‌اند و عملاً تلاش کرده‌اند. در دنیای خشونت‌بار معاصر نیز کسانی بوده‌اند و هستند که با وجود قرار گرفتن در زیر بمب و باروت، به صلح و زندگی برادرانه و انسانی فکر کرده‌اند و در این راستا تلاش می‌کنند. در این میان شهید مزارى به عنوان یک عالم دینی نواندیش، مصلح و رهبر دلسوز و مردمی، همواره بر منطق گفت‌وگو تأکید و صلح‌طلبی را فریاد کرد. بدون تردید، صلح عادلانه در افغانستان، یعنی صلحی که بر محور عدالت و کرامت انسانی رقم بخورد و بتواند حقوق شهروندی همه اقوام و شهروندان و همه اقلیت‌ها را تضمین و تأمین کند، صلح عادلانه از مطالبات رهبر شهید استاد مزارى بود. مردم افغانستان نیز آرزوی تحقق صلحی را دارند که در آن عدالت و احقاق حقوق همه مردم رعایت شده باشد. صلح قبرستانی و سکوت اجباری در برابر ستم و تبعیض و حذف‌کنشی مطلوب جامعه نیست.

مردم رنج‌کشیده افغانستان، از جنگ و ناامنی به شدت خسته شده‌اند و تشنه صلح، همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیزند. قتل، ترور و وحشت به حدی مردم را رنج داده‌اند که با کلمات قابل توصیف نیست. مردم رنج‌دیده از جنگ، برای زودتر برقرار شدن صلح، روزشماری می‌کنند. متأسفانه آنچه از ظاهر روند صلح در کشور برمی‌آید. مسیر صلح با محوریت عدالت برای مردم پیموده نمی‌شود؛ باج‌دهی به گروه تروریستی طالبان و مسابقه کشورهای غربی و شرقی و همسایه‌های افغانستان، برای برقراری ارتباط با طالبان که عامل اصلی جنگ و خشونت‌اند، از یک سو و در حاشیه قرار گرفتن منافع مردم افغانستان که قربانیان اصلی جنگ و خشونت‌اند، در این مصالحه، از سوی دیگر، نشانه بیراهه

رفتن روند صلح است. با این وصف، معلوم نیست این مصالحه به همان صلحی بینجامد که مردم بی‌گناه و قربانیان جنگ و ترور، منتظر آن هستند.

بدیهی است که تحقق صلح نیاز به بسترها و شرایطی دارد که اگر آن بسترها محقق و عملی نشود، صلح نیز محقق نخواهد شد، در این مقاله به طور فشرده، بسترهای تحقق صلح عادلانه از دیدگاه شهید مزارى مرور شده است.

اشاره مفهومی

صلح، واژه عربی، به معنای سازش، آشتی و توافق است (دهخدا، ۹۱۳۷۳، ۱۳۲۴۸/۱) و در قرآن کریم (نساء، ۳۵ و ۱۲۸؛ حجرات، ۱۰) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق. ۱۹/۲، ۶۰ و ۲۵۰/۷)، در معانی یادشده به کار رفته است. اصلاح نیز از ریشه صلح و به معنای آشتی (انفال، ۱؛ حجرات، ۹) و ترک مخاصمه میان دو فرد (نساء، ۱۲۸)، یا میان دو گروه از مسلمانان (حجرات، ۹) و نیز سازش میان مسلمانان و کفار (طوسی، التبیان، ۱۴۰۹ق. ۲/۱۸۵) به کار رفته است. همچنین واژه السلم، سلام و مسالمة در لغت (فیومی، ۲۸۷)، قرآن (بقره، ۲۰۸؛ انفال، ۶۱) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق. ۵۲/۸) به معنای آشتی و سازش آمده است. در عرف سیاسی، صلح و مصالحه به پیمان عدم مخاصمه میان کشورهای در حال جنگ، اطلاق می‌شود (طلوعی، ۱۳۷۷، ۶۰۲).

صلح و مصالحه با اصطلاحاتی مانند آمان، به معنای تأمین جانی، مالی و ناموسی (کلینی، ۱۴۰۷ق. ۵۰/۳۱)، هدنه و مهاده به معنای قرارداد آتش بس موقت (راوندی، ۱۴۰۵ق. ۱/۳۵۵) و موادعه و معاهده به معنای پیمان ترک جنگ و مخاصمه (طوسی، المبسوط، ۱۳۸۷ق. ۵۱/۲، ۵۶؛ عبدالمنعم، ۱۹۹۹م. ۳/۳۷۰ و ۴۵) در ارتباط است.

صلح و جنگ در اسلام

تلاش برای برقراری صلح عادلانه جهانی از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران (ع) پس از توحید و پرستش خدا بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۸۹) و صلح در میان امت مسلمانان، نظریه اصولی و اساسی اسلام است (شمس‌الدین،

بسترهای تحقق صلح عادلانه را از نگاه شهید مزاری: اهتمام شهید مزاری بر تحقق عدالت برای زندگی صلح‌آمیز

صلح، با ظلم و ستم قابل جمع نیست، تحقق عدالت و برادری میان مردم، از مؤلفه‌های بنیادین تحقق صلح در یک جامعه به شمار می‌آید؛ زیرا در اثر ستم و تبعیض است که زمینه‌های جنگ و درگیری فراهم می‌شود و نزاع و کشمکش در دنیا همواره بر بنیان ظلم و تبعیض استوار بوده است. مردم افغانستان در طول تاریخ این کشور شاهد ظلم، ستم و تبعیض - های عریان بوده‌اند. زندگی در سایه صلح در این کشور همواره به عنوان یک آرزو بردل مردم باقی مانده است. استاد شهید مزاری، از همین جهت تحقق عدالت را استراتژی اصلی مبارزات خود قرار داد و رعایت عدالت را به عنوان مؤلفه اساسی زیست برادرانه مطرح کرد. ایشان در این باره گفته است:

«هدف ما تشکیل یک حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است ما می‌خواهیم ستم‌های چندین قرنه بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه - ای به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری‌گری، تفاخر و افزون‌خواهی خبری نباشد و کلیه مردم افغانستان از هر قوم و نژاد و یا هر رنگ و زبان، برادرانه و برابر زندگی نمایند... خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است» (فریاد عدالت، (۱۳۷۳)، ۶۸).

البته شهید مزاری به مقوله «عدالت» به عنوان بیت الغزل اندیشه و سیره مبارزاتی خود پرداخت، در فرازی از سخن و خواسته شهید مزاری که طرح کردیم، ایشان، تشکیل حکومت اسلامی مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی را به عنوان هدف برای خود و سیاست حزب وحدت اسلامی مطرح کرده است. ایشان نقطه پایان گذاشتن به ستم‌های چندین قرنه بر مردم افغانستان را از خواسته‌های بنیادین خود بر شمرده است که خود یادآور یک تاریخ مملو از ستم و ناروایی، تبعیض و بی‌عدالتی بر کلیه مردم افغانستان است.

نکته دیگر در سخنان رهبر شهید به وجود آمدن جامعه عاری از تبعیض، تفاخر و افزون‌خواهی در کشور افغانستان است که در صورت تحقق چنین جامعه و سیستمی، زندگی

۱۹۹۷ م، ۱۷). قرآن صلح را «خیر» و امری پسندیده شمرده است (نساء، ۱۲۸) و ضمن تأکید بر آمادگی دفاعی، به پیامبر (ص) دستور داده است که اگر دشمنان به آشتی تن دهند، از صلح و آشتی استقبال کند (انفال، ۶۰، ۶۱). در سال هفتم هجری پیامبر اکرم (ص) با شرایط ویژه‌ای با مشرکان قریش در منطقه حدیبیه در نزدیکی مکه صلح کرد (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ۵۷۱/۲ - ۶۱۳؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ۱۲۱/۱). همچنین امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر کارگزار خود در مصر سفارش کرد که پیشنهاد صلح دشمنان را که مورد پسند خداوند است، رد نکند؛ ولی از مکر دشمن نیز غافل نشود (نهج البلاغه، ن ۴۷۱، ۵۳).

رهبر شهید استاد مزاری، منادی صلح عادلانه

شهید مزاری به عنوان فریادگر منطق تفاهم و گفت‌وگو برای رسیدن به زندگی در سایه صلح، نماد عدالت‌خواهی و فریاد خفته چند قرنه هزاران شهید و میلیون‌ها انسان مظلوم است، که در طول چند قرن، صدای شان در گلو خفه شده بود. شهید مزاری با درک عمیق دردهای مردم و نیز فکر روشن برای راه بیرون رفت از این حالت، راهکارهای مشخصی را برای رسیدن به زندگی صلح‌آمیز، پیش روی مردم و حاکمان کشور گذاشت. بنابراین، پرداختن به زوایای اندیشه شهید مزاری، به عنوان یک مصلح عدالت‌طلب، مطمح نظر هست.

تاریخ شاهد است که مطالبه صادقانه صلح در افغانستان از دهه هفتاد توسط رهبر شهید استاد مزاری با اصرار زیاد فریاد زده شد؛ ولی آن روز، جبهه متوهم قبضی قدرت، صدای صلح‌طلبی ایشان را با گلوله و باروت پاسخ دادند. با سبزشدن قارچ گونه گروهک طالبان، در دهه هفتاد از لائنه شرارت و تروریسم باز جبهه جنگ‌طلب، از طالبان حمایت و آنان را همراهی و کمک کردند؛ اما پس از سه دهه و اندی جنگ و خشونت و ترور، باز به همان منطق تفاهم، گفت‌وگو و صلح که خواسته رهبر شهید بود، رو آورده و افغانستان و مردم رنج کشیده آن، برای نجات خود، نیاز شدید به منطق گفت‌وگو برای رسیدن به صلح پیدا کرده است.

برادرانه، صلح‌آمیز و زندگی برادرانه محقق خواهد شد و رهبر شهید دوبار در ذیل بیان خود بر تحقق و تأمین عدالت، برادری و برابری که مستلزم و بیان دیگری از زندگی در سایه صلح است تأکید کرده است. ایشان پیوند عدالت و صلح را به شکل عمیق آن درک کرده بود و با تأکید ویژه، آن را مطرح کرده بود.

منطق پرهیز از جنگ و تأکید بر تفاهم و گفت‌وگو

افغانستان در دهه شصت مورد تجاوز مستقیم شوروی سابق قرار گرفت و مردم ستم دیده این کشور با مقاومت و همدلی در برابر این تجاوز پیروز شدند، مردمی که طعم تلخ جنگ را با ذرات وجود خود لمس کرده بودند، پس از پیروزی بر ارتش سرخ، به شدت تشنه صلح و ثبات بودند؛ اما مسابقه قدرت - های پیدا و پنهان بزرگ و ذینفع در قضایای افغانستان، خواب آشفته دیگری برای این مردم مظلوم تاریخی دیده بودند، جنگ وارد فاز جدید میشد تا برای مدت طولانی دیگر مردم مظلوم افغانستان طعمه‌ای باشند در جهت منافع توسعه طلبانه و نامشروع آنان، استاد مزاری که درک عمیق از جوانب قضایای پیرامونی کشور داشت، ضمن ایستادن بر اصول عدالت‌خواهی برای آحاد مردم افغانستان، خواسته محوری خود را بر تحقق صلح و زندگی مسالمت‌آمیز و برادرانه مردم افغانستان متمرکز کرد و همواره و به هر بهانه و با هر شخص و گروه داخلی و خارجی دخیل در قضایای افغانستان بر کلید واژه‌های «جنگ راه‌حل نیست»، و «تنها راه‌حل مسئله افغانستان گفت‌وگو و تفاهم است» تأکید کرد.

رهبر شهید استاد مزاری می‌گوید:

«ما مکرراً گفتیم که... طرفدار جنگ نیستیم و جنگ را راه‌حل نمیدانیم. از اول هژده ماهی که کابل آزاد شده، ما در این جا بودیم، این مطلب [دوری از جنگ] را عملاً پیاده کردیم. ما از نگاه ثنوری هم معتقد هستیم که جنگ در افغانستان راه‌حل نیست، تفاهم راه‌حل است. بر این مبنا، هر وقتی که جنگ پیش آمده، بر ما تحمیل شده، روزهای اول، ما آتشبس را امضا کردیم. هر کس از داخل پیشنهاد کرد، ما میانجی میشویم، ما پذیرفتیم، کشورهای خارج هم اگر آمدند، پاکستان، ایران،

عربستان سعودی، میانجی شدند، ما پذیرفتیم. این دلیلی است که ما طرفدار جنگ نیستیم. وقتی طرفدار جنگ نیستیم، هر تنظیمی که با ما سر جنگ نداشته باشد، ما سر جنگ نداریم... وقتی که پس از توافقنامه جلال‌آباد، هیأت آتش‌بس در این جا آمد، بلافاصله پذیرفتیم؛ ولی این در ظاهر آتش‌بس بود؛ ولی شورای نظار با ما جنگ داشت و نمونه آن این بود که در آن جنگ شدید که دوازده روز طول کشید، هزار نفر از مردم غیر نظامی زخمی شدند،... در ظاهر این مسئله آتش‌بس بود؛ ولی هر شبانه روز این جا بالای مردم جنگ و جدال بود» (فریاد عدالت، ۱۳۷۳، ص ۲۵۸-۲۵۹).

ایشان در جواب سؤالی درباره این که از جنگ چه خاطره‌های دارد، بی‌زاری و انزجار خود از جنگ و خشونت را یادآور شده است، از جمله پس از تأکید بر این نکته که هیچ‌گاهی، طرفدار جنگ نبوده است و جنگ را راه‌حل قضایای افغانستان نمی‌داند، تصریح کرده است: «جنگ هیچ‌گاهی برای من شیرینی نداشته که به عنوان خاطره یاد کنم، [جنگ] همه‌اش تلخ است و از آن بدم می‌آید و از نگاه اسلام محکوم است» (ضیایی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۵).

نمونه‌های زیادی از محتوای یاد شده در رابطه با تنفر از جنگ و تأکید بر منطق تفاهم و گفت‌وگو و توضیح ریشه‌های جنگ از سخنان رهبر شهید به یادگار مانده است (منشور برادری، (۱۳۹۳)، ۳۷۷؛ احیای هویت، [بی‌تا]، ۲۶۱، ۲۲۹). ولی در زمانه خودش این سخنان دلسوزانه و دغدغه‌درمندانانه رهبر عدالت‌خواه ما را گوش شنوایی نبود؛ آن زمان، صدای صلح‌طلبی رهبر شهید با گلوله پاسخ داده میشد؛ منطق تفاهم استاد مزاری را با تخاصم استقبال میکردند؛ شیوه گفت‌وگو را با باروت جواب میدادند. بدیهی بود که ایشان بر مبنای حکم عقل و شرع از خود و مردم مظلوم دفاع کند. این‌گونه است که بند بند سخنان ارزشمند رهبر شهید قابل تحلیل و تفصیل است.

استقبال بی قید و شرط شهید مزاری از صدای صلح‌طلبی

در طول حدود سه سال جنگ تحمیلی علیه حزب وحدت

جای جنگ فرا خوانده است، این نکته حاکی از صداقت و شخصیت بزرگ شهید مزاری حکایت دارد. سخنان صادقانه شهید مزاری در جهت تحقق صلح و پرهیز از جنگ و خشونت، نشان دقیق بر صلح‌طلبی رهبر شهید است و همین منطق صداقت‌مندانه او را محبوب‌القلوب مردم و به خصوص نسل جوان قرار داده است.

توجه به واقعیت‌های عینی جامعه چند قومی افغانستان

بدیهی است هر مصلحی که بخواهد در جامعه پیرامونی خود عمل مصلحانه موفق انجام دهد، ابتدا باید واقعیت‌های عینی جامعه را به خوبی درک کند، سپس به آن واقعیت‌ها توجه خاصی داشته باشد تا بتواند موفق عمل کند. از همین جهت، شهید مزاری بر واقع‌گرایی نسبت به جامعه چند قومی افغانستان تأکید ویژه داشت در موردی تصریح کرده است: «باید مشکل افغانستان از راه تفاهم و پذیرفتن واقعیت‌های افغانستان، حل شود» (ضیایی، ۱۳۸۸/۲۳۳).

ایشان در سخنانی با اعضای شورای صلح، واقعیت چند قومی بودن کشور را یادآوری کرده است و ریشه مشکلات را عدم پذیرش این واقعیت از سوی برخی برشمرده است و تأکید کرده است که وجود اقوام و احزاب در کشورهای جهان، مشکل ایجاد نمی‌کند؛ ولی در افغانستان باعث مشکل می‌شود، برای این‌که ما همدیگر را نمی‌پذیریم (احیای هویت، [بی‌تا]، ۲۱۰-۲۱۱).

شهید مزاری هدف از انعقاد موافقت‌نامه تاریخی جبل‌السراج را شکستن طلسم انحصار برشمرده است و در پاسخ ادعای فاروق اعظم که گفته بود شما قصد حذف پشتون‌ها را داشتید، به صراحت گفت: «در آن توافقنامه حذف پشتون‌ها مطرح نبود، فقط می‌خواستیم انحصار شما را بشکنیم» (ضیایی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷) و نیز در همین رابطه تصریح کرد: «برداشت عده‌ای از برادران پشتون این است که در توافقات جبل‌السراج، پشتون‌ها حذف شده بودند؛ نه، این حرف نبود. یک چیزی که در این جا شده بود، این بود که انحصار بشکنند، دیگر در افغانستان انحصارطلبی نباشد»

اسلامی به رهبری استاد مزاری تلاش‌های زیادی در سطح ملی و بین‌المللی برای صلح انجام گرفت. در همه این حوادث و در هر شرایط تلخ، شهید مزاری بدون هیچ پیش‌شرطی، به ندای صلح پاسخ مثبت داد. در اول برج هشت ۱۳۷۲ در دیدار با شورای صلح، ابتدا تأکید کرد که افغانستان، خانه مشترک همه مردم کشور است و مردم از هر قومی، برادر هم هستند. همچنین از تشکیل شورای صلح به گرمی استقبال کرد، از جمله در این باره گفت:

«ما چون از روز اول طرفدار جنگ نبودیم، هر صدایی که برای قطع جنگ بلند شده است، ما به آن صدا جواب مثبت داده‌ایم و هر دستی که دراز شد، ما دست برادری داده‌ایم؛ ولی متأسفانه شما خود شاهد هستید که در این ده-یازده ماه گذشته، جنگ‌های بسیار شدیدی بر ما تحمیل شد». ایشان با یادآوری تلخ کشتار مردم بی‌گناه و ملکی ادامه داده است: «اگر خارجی‌ها؛ پاکستان، ایران، سعودی‌ها... اقدام به صلح کردند، ما گفتیم قبول داریم، بیایید نظارت کنید؛ اگر احزاب اقدام کردند، گفتیم: بیایید، اگر شورای آزادگان، تشکیل شد، گفتیم: بیایید، حالا که شما [شورای صلح] احساس مسئولیت کرده‌اید، به شما هم می‌گوییم: «هر طوریکه بتوانید جنگ را خاموش کنید، ما طرفدار آن هستیم» ایشان ضمن یادآوری این‌که شب گذشته تا صبح جنگ علیه مردم ملکی غرب کابل ادامه داشته است و مردم بی‌گناه کشته و زخمی شده‌اند، در عین حال، تصریح کرده است: «باز هم می‌گوییم که ما طرفدار صلح هستیم نه طرفدار جنگ» (احیای هویت، [بی‌تا]، ۲۱۰-۲۱۱).

ایشان در جای دیگر مطالبه صادقانه خود، تحقق صلح عادلانه را این گونه بیان کرده است:

«ما طرفدار یک صلح و ثبات دایمی هستیم، ما معتقدیم که هر جنگ آخرش، صلح است. برادران به جای جنگ، صلح را بپذیرند و همدیگر را تحمل نمایند، یگانه چیزی که مردم افغانستان بعد از چندین سال جنگ به آن نیاز دارد، صلح و آرامش است». (فریاد عدالت، ۳۱۶) شهید مزاری طرف مقابل خود را که در حال جنگ تحمیلی کور علیه او و مردمش بودند، برادر خطاب کرده است و صادقانه آنان را به پذیرش صلح به

(همان، ص ۱۷۶).

انحصارطلبی و ستم، زمینه و بستر نفاق و جدال است که تاریخ افغانستان را سیاه کرده است. شهید مزاری برای رسیدن مردم افغانستان به زندگی در سایه صلح و عدالت، بر شکستن طلسم انحصار تأکید داشت. از مشکلات اساسی و تاریخی کشور افغانستان این است که سیاستمداران این کشور واقعیت چند قومی و بافت موزایکی جمعیتی این کشور را نادیده می‌گیرند. عده‌ای می‌خواهند با انحصارطلبی، همه مراکز قدرت و منابع کشور را در اختیار و انحصار خود داشته باشند. طبیعی است که انحصارطلبی را طرف‌های دیگر و اقوام و احزاب دیگر نمی‌پذیرند و اینگونه، منازعه و جنگ، از بستر انحصارطلبی، بر مردم تحمیل می‌شود. اگر واقعیت چند قومی بودن کشور به درستی و منطقی درک شود و سپس موقعیت‌ها و مراکز تصمیم‌گیری و قدرت و امکانات باتوجه به همان واقعیت‌ها عادلانه توزیع شود. بستر زندگی در سایه صلح تحقق می‌یابد. از خواسته‌های اساسی رهبر شهید همین مسئله بود.

رهبر شهید درباره واقعیت چند قومی افغانستان تصریح کرده است: «ما... هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، پشتون است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آن‌ها بیایند در این مملکت برادروار زندگی نمایند و هرکس به حقوق‌شان برسند و هرکس درباره سرنوشت خودش تصمیم بگیرد. این حرف ما است. اگر کسی بیاید نژاد خود را حاکم بسازد و دیگران را نفی بکند، این فاشیستی است» (چراغ راه، ۱۳۸۸، ۷۰).

احیای تفکر و روحیه هم‌پذیری

شهید مزاری، به مناسبت‌های مختلف، بر تفاهم و هم‌پذیری مردم افغانستان تأکید کرده است، او ضمن تأکید بر سخن معروف خود که: «ما وحدت ملی را در افغانستان یک اصل می‌دانیم»، گفت: «ما در این جا معتقد هستیم که مسئله افغانستان وقتی حل می‌شود که همه مردم و احزاب همدیگر را تحمل کنند و در صدد حذف یکدیگر نباشند. روش حزب وحدت این است که می‌گوید راه حل برای افغانستان، چه از

نگاه اقوام باشد یا احزاب یا مذاهب، صرفاً تفاهم است نه حذف یکدیگر. وحدت راستین هم بعد از تفاهم به وجود می‌آید، لهذا هرکسی که می‌آید برای حذف یک ملیت یا یک تنظیم در افغانستان فعالیت می‌کند، سخت اشتباه است (احیای هویت، ۱۳۷۴، ۱۴۶-۱۴۸).

پس از چهار دهه جنگ و خشونت و دنبال کردن سیاست حذف از سوی عده‌ای، ثابت کرده است که نگاه حذفی نگاه شکست خورده بوده است و صاحبان این نگاه بالاخره، ناگزیر به هم‌گرایی و قبول واقعیت‌های عینی جامعه خواهند بود؛ زیرا آنان از نگاه نظری، اساس خواسته‌های عدالت محور شهید مزاری را پذیرفته‌اند و با صراحت به آن اذعان می‌کنند و شب و روز، شعار عدم تبعیض بین ساکنان کشور سر می‌دهند، همچنین عدالت را خواسته برحق مردم اعلام می‌کنند؛ ولی هنوز در مرحله عمل بر همان سیستم باطله حذف و زدن بر طبل تبعیض مشغولند.

شهید مزاری ریشه همه مشکلات کشور را در امتیازخواهی برخی جریان‌ها در کشور دانسته و می‌گوید: «تمام جنجال‌ها و درگیری‌ها بر سر همین مسأله امتیازطلبی و حذف هم‌دیگر است. این امتیازطلبی یک دفعه در چهره مذهب است، یک دفعه در چهره نژاد است» (ضیایی، ۱۷۰). در کشوری که اکثریت قاطع وجود نداشته و ساکنان کشور را اقوام مختلف با جمعیت‌هایی با تفاوت اندکی تشکیل می‌دهند، راه چاره آن است که نگاه حذفی و کوبیدن بر طبل انکار و فرافکنی برداشته شده و نگاه عدالت محور و مبتنی بر واقعیت عینی جامعه حاکم شود، دیر یا زود، راه اصلی حل مشکل کشور همان راه تفاهم، گفت‌وگو و صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی است که شهید مزاری بر آن اصرار داشت. در شرایطی فعلی - بیست و شش سال پس از شهادت رهبر شهید، سیاستمداران کشور بر این امر اذعان دارند و در قانون اساسی کشور نیز این نگاه عدالت محور لحاظ شده است ولی در عمل، عده‌ای، در همان راه تبعیض روانند و از هر طریقی که شده بر حذف اقوام از جمله هزاره از مرکزیت قدرت تلاش می‌کنند و همین حرکت غلط باعث مشکلاتی است که مردم را گرفتار کرده است و هر روز قربانی می‌گیرد. مانع

نگاه مثبت به وجود اقوام و استفاده از تعامل فرهنگی

شهید مزاری برای پیشگیری از گسترش نفرت قومی و بسترسازی برای وحدت و همدلی بین اقوام و در نتیجه جاری شدن زندگی صلح‌آمیز میان مردم کشور، به طور شفاف و با صراحت، حساب ستمگران را از قوم و تبار آنان تفکیک کرده و تلاش کرد تا خصومت و دشمنی میان ملیت‌ها را برطرف سازد. روی همین جهت، در مواقع مختلف به روشن‌گری در این زمینه پرداخت؛ از جمله فرمود: «خاندانی که وابسته به خارج بودند، سرباقی مردم ظلم کردند و حق طبیعی مردم را غصب کردند» (ضیایی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۷) و نیز می‌گوید: «اگر به حساب قومیت، به حساب نژاد ظلم می‌نمایند، این ظلم مربوط به شخص یا اشخاص قدرت‌طلب است» (همان، ص ۲۵۸).

شهید مزاری به خوبی درک کرده بود که بافت موزاییکی افغانستان و سابقه ستم و تبعیض سیستماتیک در کشور فقط با داروی وحدت و همدلی بین اقوام قابل حل است و بارها فریاد کرد که راه حل مشکل افغانستان تفاهم، هم‌پذیری و وحدت است. ایشان به همان میزان از حرکات نفاق‌انداز و تشییع برانگیز بیزاری جست و این دردها را به صراحت با ملت افغانستان در میان گذاشت.

تأسیس از جمله گفت: «یک تعداد کسانی که در کابل و در افغانستان می‌خواهند تفرقه ایجاد نمایند تا خودشان بر حکومت باقی بمانند، این مسئله (پشتون، هزاره، تاجیک، ازبیک...) را دامن می‌زنند. وقتی که بین ما و اتحاد سیاف جنگ بود، می‌گفتند: جنگ بین پشتون و هزاره است. بعد از جنگ‌های حکمتیار و وزارت دفاع مسأله بین فارسی‌زبان و پشتون را مطرح کردند... هیچ یک از این جنگ‌ها را به عنوان نژاد و مذهب نمی‌دانیم؛ بلکه از طرف عناصر قدرت‌طلب بر مردم افغانستان تحمیل شده است» (همان، ص ۲۳۷-۲۳۸).

در بیان دیگری می‌گوید: «مردم افغانستان سیصد سال با هم یک جا زندگی کردند و این جا هم فارسی‌زبان بود و هم پشتوزبان، هم شیعه بود و هم سنی و تمام اقوام با هم برادر بودند... و توصیه من برای مردم افغانستان این است که

اصلی تحقق صلح عادلانه نیز همین نگاه حذفی است که اخیراً از سوی طالبان در نشست دوحه قطر، نسبت به شیعیان مطرح شد و باعث جنجال شد.

اصل قرارداد وحدت ملی برای رسیدن به صلح

از مقوله‌های که برجستگی زیاد در ویژگی‌های شخصیتی و اندیشه شهید مزاری دارد، احساس وحدت‌گرایی و برادری ملیت‌ها در افغانستان است. در حقیقت، ایشان روی مفهوم برابری همه ملیت‌های افغانستان تأکید می‌کرد. شهید مزاری سکوت در مقابل ظهور استبداد و انحصار جدید را مجاز ندانسته و وظیفه همه مردم را ایستادن در مقابل برتری جویی و تبعیض می‌دانست؛ از این رو، وحدت اقوام را برای رسیدن به صلح و عدالت، از بستر تفاهم و گفت‌وگو سرلوحه تلاش سیاسی اجتماعی خود قرار داد. شهید مزاری با تمام وجود و بارها بر منطق گفت‌وگو برای رسیدن به صلح تلاش کرد و از حقوق و مشارکت اقوام و اقلیت‌های مختلف به اندازه نفوذ و حضور فیزیکی و واقعی آنان به طور مکرر سخن گفت (احیای هویت / ۱/ ۳۳ و ۳۵) و بر تبعیض‌های سیاسی و موقعیت‌های غصب شده بر اساس معیارهای مبتنی بر زور و نژاد به شدت انتقاد کرد و با خوی برتری‌طلبی و تک‌صدایی مبارزه بنیادینی را آغاز کرد. ایشان ضمن تصریح نسبت به موجودیت اقوام ساکن کشور، حضور همه نژادها و قومیت‌ها را در مراکز تصمیم‌گیری و سرنویشت سیاسی حق آنان دانسته و پندار برتری و تسلط یک قوم و یک نژاد بر دیگران را حرکت فاشیستی و مردود برشمرد، ایشان همچنین ختم سریال انحصارگرایی، حق‌کشی و پایان این پروژه تبعیضی را خواستار شد (احیای هویت، ۱۳۷۴، ص ۳۳).

شهید مزاری با مطالعه مشکلات تاریخی کشور از بستر تخصص قومی در کشور، وحدت را به عنوان یک اصل برای خود و حزب وحدت اسلامی مطرح کرد و فرمود:

«ما این افتخار را داریم و حق هم داریم که افتخار کنیم که وحدت ملی را در افغانستان ما به وجود آوردیم» (احیای هویت، ۱۳۷۴، ۱۴۶-۱۴۸).

جنگ‌های تنظیمی را به جنگ‌های قومی و مذهبی نکشانند که به نفع مردم افغانستان نیست» (همان، ص ۲۳۷) و در جای دیگری گوید: «در طول شانزده ماه گذشته، سیاست‌ها برای ایجاد خصومت میان ملیت‌ها عملی شد». (احیای هویت، [بیتنا]، ۲۱۰-۲۱۱).

شهید مزاری با دوراندیشی و تعهد دینی و ملی که داشت، برای این‌که ملیت‌های افغانستان به عنوان یک واقعیت به رسمیت شناخته شود و مردم افغانستان درد مشترک را احساس کنند، از حکومت صبغت‌الله مجددی به گرمی استقبال کرد، در حالی که این حکومت، هیچ حقی برای مردم هزاره قائل نشده بود. ایشان هم چنین با بلند نظری و به صورت منطقی برای تفکیک جنایتکاران از تبار آنان و به هدف زدودن زمینه‌های نفاق قومی می‌گوید: «قدرت طلبی و انحصار طلبی یک تعداد که خلاف مسیر اسلامی و انسانی رفتار می‌نمایند، متعلق به این نژاد و آن نژاد نیست و ما باید امروز تجدید نظر کنیم، درست است که عبدالرحمان شصت فی صد مردم ما را از بین برده است، نه همه پشتون‌ها... من معتقدم در این جا در طول تاریخ گذشته افغانستان حکومت ملی و اسلامی به وجود نیامده است؛ اما یک خاندان و تعداد قدرت طلب، بالای مردم ما ظلم کرده است» (ضیایی، (۱۳۸۸)، ص ۱۰۸).

این نگاه ژرف و موشکافانه رهبر شهید، مبنی بر تفکیک جنایت پیشه‌گان از قوم و تبار آنان و تأکید بر انحصار جنایت بر یک خاندان و نه یک قوم، حاکی از دغدغه وحدت طلبی، و داعیه عدالت خواهی، برای رسیدن به زندگی در سایه صلح، همگرایی و همدلی بین اقوام افغانستان است. همان چیزی که با تأسف دیگر سران سیاسی از تحقق و فهم آن عاجز و ناتوان بودند. از همین جهت با نگاه فاشیستی شکست خورده، دور باطل سیاست را پیموده و در جاده زده یا به عقب بر می‌گردند و دود این نگاه باطل، به چشم مردم رنج دیده افغانستان می‌رود.

شهید مزاری به دولت مدرن برای رسیدن مردم به صلح عادلانه می‌اندیشید و برای آن طرح‌های مشخص ارائه کرد و میکانیسم تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات عادلانه،

سهم‌گیری اقوام و ملیت‌های محروم در عرصه‌های تصمیم‌گیری کلان و طرح سیستم فدرالی و چگونگی عملیاتی شدن هم‌پذیری و هم‌زیستی اقوام کشور را از دل جنگ و باران گلوله و باروت ارائه کرد. او اگر از شر جنگ طلبان وحشی در امان بود و به ایشان فرصت می‌دادند، به یقین طرح‌های بزرگی برای نجات کشور ارائه می‌داد. شهید مزاری بر مبنای منطق قرآن و اراده الهی، محبوب قلب‌های مردم است؛ کسانی که ایمان راستین به خدای بزرگ داشته و کارهای نیک و اصلاح‌گرایانه انجام دهد، محبوبیت او در میان مردم راه‌دیه او می‌کند، چنان که می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (مریم، ۹۶)؛ به یقین، کسانی که ایمان آورده و عمل نیکو انجام دهند، به زودی خداوند رحمان، محبت او را در دل مردم می‌اندازد.

نتیجه‌گیری

شهید مزاری، از تمام توان خود برای تحقق بسترهای ایجاد صلح عادلانه و همدلی میان اقوام و ملیت‌های افغانستان استفاده کرد و برای احقاق حقوق همه ملیت‌های تابع افغانستان، سنگ تمام گذاشت و هرگز به منافع کلان ملی پشت نکرد. شهید مزاری در هیچ شرایطی و لو بحرانی و جنگی، از صلح عادلانه و منطق گفت‌وگو به عنوان تنها راه حل مشکل کشور، غافل نشد. استاد شهید، تمام هستی خود را در پای منافع مردم گذاشت تا یک سیستم قابل دفاع و عدالت خواهانه که زندگی صلح‌آمیز مردم در آن تضمین شود، تحقق یابد، او با ایثار جان، ادبیات ماندگار گفت‌وگو، وحدت و همدلی، عدالت برای همه و احقاق حقوق همه تابعین کشور را به میراث گذاشت. رهبر شهید اقوام محروم را از انزوا و خودباختگی تاریخی و تحمیلی بیرون آورد و آنان، به خصوص ملت هزاره را به خود باوری رساند. تحقق صلح عادلانه و زندگی برادرانه در افغانستان، با توجه به اندیشه و سیره شهید مزاری و وابسته به احیای روحیه هم‌پذیری و دوری از سیاست حذف و انحصار، تحقق وحدت ملی، توجه به واقعیت‌های افغانستان، رعایت عدالت در جامعه، به رسمیت شناختن حقوق همه اقوام و مذاهب در کشور است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. -----، ۱۳۸۷ق، المبسوط فی فقه الامامیه، تحقیق سید محمد تقی کشفی، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۴. -----، ۱۴۰۰ق، النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، انتظار بشر از دین، تحقیق محمد رضا مصطفی پور، قم، اسراء، چاپ ششم.
۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ش، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.
۷. راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله، ۱۴۰۵ق، فقه القرآن، تحقیق سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۸. شمس الدین، محمد مهدی، ۱۹۹۷م، جهاد الامه، بیروت، دارالعلم للملایین.
۹. شهید مزاری، عبدالعلی، (۱۳۷۳)، فریاد عدالت (مجموعه مصاحبه های حجت الاسلام والمسلمین استاد مزاری... ۱۳۷-۱۳۷۲)، به کوشش عبدالله غفاری لعلی، [ایران]، موسسه شهید سجادی.
۱۰. شهید مزاری، عبدالعلی، (۱۳۷۴)، احیای هویت (مجموعه سخنرانی های استاد شهید عبدالعلی مزاری (ره)، قم، سراج.
۱۱. شهید مزاری، عبدالعلی، (بی تا)، احیای هویت (مجموعه سخنرانی های رهبر شهید بابه مزاری (ره)، به کوشش محمد جاوید جاوید، کابل، امیری.
۱۲. شهید مزاری، عبدالعلی، منشور برادری، (۱۳۹۳)، مجموعه سخنرانی ها، مصاحبه ها، پیام ها و ملاقات های رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری، مقدمه و تحقیق از مرکز فرهنگی اجتماعی سراج، کویت، نشر فرهنگ هزاره، چاپ سوم.
۱۳. ضیایی، رضا، چراغ راه، ۱۳۸۸، (سخنرانی ها و مصاحبه های برگزیده از رهبر شهید بابه مزاری (ره)، اروپا، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری، نمایندگی اروپا.
۱۴. طلوعی، محمود، ۱۳۷۷ش، فرهنگ جامع علوم سیاسی، تهران، علم، چاپ دوم.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۶. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن، ۱۹۹۹م، معجم المصطلحات والالفاظ الفقهی، قاهره، دارالفضیله.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، هجرت، چاپ دوم.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۴۰۷ق، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب تأسیس الاسلامیه، چاپ چهارم.
۱۹. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البیت، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۲۰. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، چاپ سوم.